

جهانی شدن فرهنگ و پوشاک سنتی هویت های قومی با تاکید بر ابقای پوشاک زنان کرد غرب ایران

شیمیا کریم پور زهرایی*
مرضیه پیراوی ونک**

چکیده

هدف تحقیق حاضر توصیف ساختار اصیل پوشاک زنان کرد، شناسایی عوامل هویت دهی این پوشاک سنتی و پیرو آن، فرآیند جهانی شدن به عنوان یکی از اصلی ترین علل هویت زدایی از آن با تاثیر خود در قالب طراحی پوشاک سنتی جدید بود. جامعه تحقیق حاضر زنان کرد بود که با تکیه بر مستندات عینی از پوشش زنان کرد غرب ایران و در عین حال مشاهده پوشش محلی جدید زنان کرد ساکن در کشورهای غربی از طریق رسانه های اینترنتی و شبکه های مجازی مورد بررسی قرار گرفت. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه ای، اینترنتی و میدانی بود. همچنین پوشاک سنتی زنان کرد غرب ایران با پوشاک سنتی زنان کرد در جوامع غیرایرانی مقایسه شد. پس از آن که یکی از اصلی ترین علل تغییر این پوشاک سنتی در سایر کشورها شناسایی شد، ساختار تغییر یافته پوشاک زنان کرد شرح و علل ابقای ساختار اصیلش در غرب ایران بررسی شد. در نهایت نتایج به دست آمده بیانگر این بود که پوشاک سنتی زنان کرد در سایر کشورهای دربردارنده جمعیت قومی این مردمان، تحت تاثیر مستقیم اثرات فرهنگی جهانی شدن در طراحی مد و پوشاک، ساختاری حداقلی پیدا کرده و اجزا و نشانه هایی که عامل اصلی هویت دهی به این پوشاک بوده اند ساده شده یا از بین رفته اند و در بخش های مختلف آن ارزش های زیبایی شناسانه بر باورها و کارکردها غلبه یافته است. ضمناً علل بقای این پوشاک در ساختار اصیلش در غرب ایران را می توان ناشی از برنامه ریزی کارآمد دولت در حفظ هویت های قومی، پافشاری کردهای ایران بر آداب و رسوم و سنت ها قومی خود حتی سطحی ترین نمادهای فرهنگی شان و در نهایت مشخصات و ویژگی های خود لباس در هماهنگی اش با حدود و ضوابط پوشش فرهنگ اسلامی دانست.

کلید واژگان: جهانی شدن فرهنگ، پوشاک سنتی، زنان کرد.

* کارشناسی ارشد پژوهش هنر دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول، ایمیل: shima.karimpour@yahoo.com)
** دانشیار فلسفه، دانشکده پژوهش های عالی هنر و کارآفرینی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران. (ایمیل: mpiravivanak@gmail.com)

مقدمه:

تاریخ پوشاک به طور کلی بخشی از تاریخ تمدن و فرهنگ انسان است. آن چه امروزه بین اندیشمندان مردم‌شناس و جامعه‌شناس از اهمیت شایان برخوردار است، توجه به پیام‌ها و راز و رمزهای موجود در انواع پوشاک در ادوار مختلف و در میان اقوام و ملل گوناگون است. این پیام‌ها خود از باورها، آداب و سنن، و خواستگاه قومی این ملت‌ها برخاسته که یا به وضوح بیانگر یکی از این اصول است، یا به زبان نمادین منظور خاصی را القا می‌کند (دهقانی اشکذری و رحیمی زارچی، ۱۳۹۰). پوشاک سنتی زنان کرد در غرب ایران از وجوه افتراق و از مصادیق شناخت فرهنگ و رسوم این مردمان است که حاوی باورها و عقایدی در غالب پیام‌هایی نمادین بوده و کارکردهایش متناسب با فضای جغرافیایی و معیشت این مرز و بوم است؛ متناظر با کردهای غرب ایران در آن سوی مرزها سرزمین‌هایی مستقل یا نیمه مستقل برای مهاجران این قوم وجود دارد؛ در این کشورها بر طبق شواهد، ملاک‌ها و ارزش‌های زیبایی‌شناسانه بر زبان نمادین پوشاک سنتی ارجحیت یافته است، این تغییرات اساسی در قراردادهای مربوط به پوشش را می‌توان ناشی از تأثیرات فرهنگی نظام جهانی بر تمامی جوامع به ویژه هویت‌های قومی، خرده فرهنگ‌ها و گروه‌های مهاجر دانست. و اما ابتدای پژوهش حاضر این سوال مطرح می‌شود که چگونه جهانی شدن با یک پدیده فرهنگی نظیر پوشاک سنتی جوامع ارتباط پیدا می‌کند؟ یکی از چالش برانگیزترین جنبه‌های جهانی شدن جنبه فرهنگی این فرآیند است که هدفش رسیدن به موجی از همگونی فرهنگی است و به پیرو آن همه خاص‌های فرهنگی جوامع به را به چالش می‌طلبد یکی از این خاص‌ها که در واقع سمبل فرهنگی، مظهر قومی و تأثیرپذیرترین عنصر فرهنگی جوامع گوناگون انسانی محسوب می‌شود، پوشاک است و از آن جایی که نوع سنتی آن در داشتن ویژگی‌های فرهنگی-قومی قویا شاخص است به همان نسبت در معرض تغییرات و دگرگونی فرایند همگون‌سازی فرهنگی جهانی شدن قرار می‌گیرد. بنابراین در مقاله حاضر ضمن توصیف پدیده «جهانی شدن» و تأثیرش بر پوشاک سنتی اقوام، به باورها و کارکردهای هر بخش از این پوشش سنتی پرداخته شده تا از این طریق اضمحلال این خصایص در لباس سنتی جدید زنان کرد سایر سرزمین‌ها و ابقای اصالت پوشش سنتی زنان کرد غرب ایران به وضوح تحلیل شود و به پرسش‌هایی از این دست پاسخ دهد. پرسش‌های مطرح شده بدین قرار است که در اجزا مختلف ساختار اصیل پوشاک سنتی زنان کرد چه عقاید و کارکردهایی نهفته است؟ عامل اصلی تغییر پوشش سنتی زنان این قوم در سایر کشورها نسبت به خواستگاه قومی‌اش (غرب ایران) چیست؟ ویژگی پوشاک سنتی جدید زنان کرد در سایر کشورها چگونه است؟ و نهایتاً این که چه عواملی سبب ابقای پوشاک سنتی و اصیل زنان کرد (با حفظ ساختار بنیادی اش) در غرب ایران شده است؟

توصیف تأثیر جهانی شدن بر پوشاک سنتی اقوام و ملل گوناگون، طبقه بندی و معرفی اجزا مختلف پوشش زنان کرد با در نظر گرفتن باورها و اعتقادات نهادینه شده در آن، مشخص کردن تغییرات در پوشش سنتی زنان کرد در سایر کشورها با تأکید بر معیارهای زیبایی‌شناسانه، و علل ابقای این پوشش سنتی در شکل اصیل آن در غرب ایران از اهدافی است که در این مقاله دنبال می‌شود.

از آنجا که هر فعالیت پژوهشی بر پایه مطالعات قبل از خود (کتاب، پایان نامه، مقاله) استوار است، نگارندگان پس از مطالعه و جمع‌آوری مرتبط‌ترین دستاوردهای پیشین با تحقیق پیش رو به این نتیجه

رسیده اند که این پژوهش‌ها یا به «عمده ترین رهیافت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جهانی شدن بر هویت‌های خرد (هویت‌های قومی)» پرداخته اند و یا «ساختار پوشش و فرم لباس زنان کرد» را طبقه بندی و توصیف کرده اند که این پژوهش‌ها بدون نیاز به معرفی همه آن‌ها توسط نگارندگان، و با توجه فهرست منابع در انتهای مقاله پیش رو با یک جستجوی سطحی در منابع اینترنتی و کتابخانه‌ها در دسترس اند؛ در این پژوهش نگارندگان بر مشاهدات خود در مناطق کردنشین تکیه کرده و به جستجوی جزئی ترین داده‌ها در منابع انگلیسی پرداخته و تحلیل خود را ارائه داده اند. از مهم ترین پژوهش‌های پیشین در این زمینه که می‌توان به آن‌ها اشاره کرد عبارتند از: مصطفایی (۱۳۹۶) در پژوهش با عنوان «نگاهی به لباس کردی» ضمن پرداختن به تاریخچه، قدمت و تنوع لباس کردی، قسمت‌های مختلف لباس کردی زنانه و مردانه را تشریح کرده است. بابایی و اکبری (۱۳۹۳) در مقاله ای با عنوان «بررسی مبانی نظری طراحی مدلباس زنانه در الگوی ایرانی-اسلامی» با تقسیم بندی بخش‌های طراحی لباس به فرم ظاهری و ترکیب لباس، ساختار و تزئینات آن به یک اسلوب مشخص در طراحی پوشش بانوان ایرانی می‌رسند که می‌تواند مبنایی برای طراحی لباس به سبک ایرانی-اسلامی و در عین حال متناسب با نیازهای امروزی جامعه باشد. عیوضی (۱۳۸۰) در مقاله ای با عنوان «جهانی شدن و هویت‌های قومی» ضمن تبیین تأثیرات جهانی شدن بر هویت‌های قومی به این نتیجه می‌رسد که ارزش‌های پیشین هویت‌های قومی - فرقه ای چون دارای اصالت هستند از بین نخواهد رفت. ریتزر^۱ (۲۰۰۸) در کتاب خود با عنوان «نظریه‌های جامعه شناختی» پارامترهای فرایند عمومی جهانی شدن را بررسی کرده و ضمن آن جنبه‌های متعدد و پارادایم‌های مختلفی از جهانی شدن را تشریح کرده است. کریزتوفک^۲ (۲۰۰۲) در مقاله ای با عنوان «تأثیر جهانی شدن بر سیستم ارزش‌های فرهنگی» واکنش‌های عمده فرهنگ‌های قومی - محلی به پیامدهای جهانی شدن را دسته بندی کرده که از این طرح می‌توان برای تجزیه و تحلیل سیستم ارزش‌های این جوامع استفاده کرد. روچ و ایچر^۳ (۱۹۹۵) در پژوهش خود با عنوان «لباس و هویت» تلاش می‌کنند که یک چارچوب نظری برای درک رابطه بین هویت و لباس ارائه دهند، نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که لباس روی هویت افراد و در کی از خود و دیگران موثر بوده و تغییر سبک پوشش در طول زمان به تغییرات اجتماعی وابسته است. در نهایت باید خاطر نشان کرد که به نظر می‌رسد مقاله حاضر یک پژوهش کاملاً نو و مفید باشد که توانسته با شرح تأثیر روند جهانی شدن بر عنصر فرهنگی پوشاک، به تحلیل تغییرات پوشش سنتی زنان کرد در سایر کشورها و ابقای آن در خاستگاه قومی اش (غرب ایران) پردازد.

روش

طرح پژوهش، جامعه‌ی آماری و روش نمونه‌گیری: شیوه پژوهش مقاله حاضر، توصیفی-تحلیلی است. چرا که مطالعه مردم نگارانه تظاهرات مادی و غیرمادی در فعالیت گروه‌های انسانی جنبه توصیفی داشته و از آنجا که اطلاعات به دست آمده، طبقه بندی شده و به تحلیل یک «روند موثر» بر یک «رفتار انسانی» در فرهنگ مربوطه پرداخته شده تا حدودی به مردم شناسی نزدیک می‌شود. روش گردآوری اطلاعات از نوع کتابخانه ای (اسنادی) با بهره گیری از منابع مکتوب و سایت‌های اینترنتی معتبر، بهره گیری از روش

۱. Ritzer

۲. Krzysztofek

۳. Roach- Higgins & Eicher

میدانی با گردآوری اطلاعات از طریق مشاهده مشارکتی در مناطق کردنشین ایران و رویدادهای فرهنگی که این پوشاک در آن‌ها پوشیده می‌شود و استفاده از ابزارهایی چون فیش و دوربین عکاسی انجام شده است. برای سایر مناطق جغرافیایی ساکنان این قوم که حضور پژوهشگر در آنجا برای گردآوری اطلاعات امکان پذیر نبوده از اقلام پوشاک مستند شده در سایت‌های معتبر استفاده شده است. شایان یادآوری است که رویکرد این مقاله در حوزه انسان‌شناسی فرهنگی است چرا که مطالعه و پژوهش در باب پوشاک و البسه شاخه‌ای مجزا در علم انسان‌شناسی با روش و چارچوب نظری خاص خود ندارد. بررسی تداوم و تغییرات عادات پوشاک با تاکید بر عوامل سیاسی و اجتماعی و مقایسه بین فرهنگی، پژوهشگران حوزه انسان‌شناسی را قادر می‌سازد تا معانی نمادین کد پوشش‌های تغییر یافته یا بازسازی شده جوامع انسانی را در جهان معاصر بهتر درک کنند (هانسن^۱، ۲۰۱۸).

روش اجرا

برای دست‌یابی به پاسخ پرسش‌های پژوهش، به بررسی کتاب‌هایی که در ارتباط با عناصر موضوع حاضر تألیف شده بود، پرداخته و سپس منابع و متونی که در پیوند با موضوع پوشش زنان کرد بود، مطالعه شد. مبنای کار در پژوهش حاضر گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است که از طریق فیش‌برداری، صورت گرفته است؛ پس از آن با تکیه بر سوال پژوهش، دیدگاه‌های مختلف واکاوی و توصیف شده است.

لباس محلی کردی نمادی برای هویت و اصالت

نمودهای زیادی وجود دارد که افراد این گروه (کرد) خود را با آن تشخص می‌بخشند هم چون: زبان، رفتار و شیوه زندگی؛ لذا مطالعه بر روی پوشاک این مردمان نشان می‌دهد که البسه و پوشاک به عنوان یک سنت و آداب و رسوم دارای ارتباط مهمی با فرهنگ آنان بوده (کسرائیان و عرشی، ۱۳۷۲) و یکی از بارزترین و سریع‌الانتقال‌ترین سمبل هویت فرهنگی تمامی ایلات و طوایف این قوم است (مصطفایی، ۱۳۹۷). زنان و مردان کرد هر یک پوشاک مخصوص خود را دارند، اما لباس زنان در مقایسه با لباس مردان به دلیل داشتن کیفیات و جزئیات بیشتر حاوی نمادها و باورهای فرهنگی، حائز اهمیت بیشتری بوده و مجال غور بیشتری را می‌دهد، از طرفی در بررسی‌های انجام شده بر روی پوشاک سنتی اقوام و ملل گوناگون در بسیاری از نقاط جهان بر این مطلب تاکید می‌شود که زنان در هویت‌های قومی-محلی در اتخاذ سبک‌ها و مدل‌های جدید لباس مقاوم ترند و لباس زنان بهتر از مردان حفظ می‌شود (روچ و ایچر، ۱۹۹۲).

ساختار پوشاک زنان کرد

هنگام مواجهه با پوشاک زنان کرد که بازتاب دهنده هویت شخصی و جمعی، اهداف کاربردی و زیباشناختی و سایر آرزوهای روحی و روانی آن قوم است باید زمینه‌های بنیادی معنادمی به آن، که به درک مفهوم این نوع پوشاک می‌انجامد، در نظر گرفت. هنری گلاس^۲ سه زمینه مرتبط بهم "ایجاد،

۱. Hansen

۲. Glass

ارتباط، مصرف“ را برای درک خصوصیات پوشاک قومی و محلی، این چنین توصیف می‌کند: آرمان‌ها و عقاید، دانش و تجربیات یک قوم باهم درمی‌آمیزد(زمینه ایجاد) و به شکل پیام‌ها یا کدهایی در لباس‌ها نمود و انتقال یافته(زمینه ارتباطی) و در بین افراد آن جامعه پذیرفته می‌شود و از طریق سنت دوام می‌یابد(زمینه مصرف)؛ و در نهایت فرهنگ مادی جامعه ای را می‌سازد که ساختار و ویژگی‌هایش با ارزش‌های معنوی و زیبایی شناختی آن جامعه متناسب بوده و از سایر جوامع متمایز است(ایوگا، ۲۰۱۵). لذا هنگام توصیف بخش‌های مختلف این پوشش سعی شده که بر ارزش کارکردی(به عنوان طبیعت سودمند شی و جدی ترین نیاز از این عناصر مادی) و عقاید و باورها مرتبط به آن(به عنوان خصلت نمادین و مهم ترین عامل هویت دهی به این نمودهای فرهنگی) که در شکل گیری شان لحاظ شده پرداخته شود تا ارزش‌های زیبایی شناسانه آن‌ها. چرا که از نظر فلسفه پدیدارشناسی قبل از این که قضاوت‌های زیبایی شناسانه صریح در فرهنگ بشری ظاهر شود ادراک زیبایی شناختی افراد در تمامی تجلیات زندگی، تابع ارزش‌ها، هنجارها و مقادیر تعاملی ارزیابی شده بود، اهمیت این استانداردهای زیبایی شناختی چنان است که در دیدگاه کانت و پیروانش در مورد شرط تجربه زیبایی شناختی پر اهمیت می‌شود به عقیده آن‌ها تنها زمانی می‌توان یک شی را به لحاظ زیبایی شناسی درک کرد که مفاهیم مرتبط با قصد و اهداف سودمند و فرآیندهای احساسی آمیخته به باورها را کنار گذاشت. بر طبق گفته روج و ایچر (۱۹۹۵) پوشاک به مجموعه ای از بر تن کردنی‌ها، الحاقات و ضمیمه‌های بدن گفته می‌شود، این تعریف یک رویکرد جامع به پوشاک است و همه چیزهایی که به بدن مربوط می‌شود حتی آراستن موها، و کارهایی چون سوراخ کردن گوش، پوشیدن زیورآلات و تاتو کردن قسمت‌هایی از بدن را در برمی‌گیرد. این قبیل کارها ممکن است نشانه‌ایی از پوشاک باشد اما پوشاکی به معنای واقعی آن، به وجود نیامده است. در این بخش از پژوهش حاضر، زیورآلات(جوهرات سنتی و بومی) و خالکوبی‌ها(نشانه گذاری‌های اجتماعی و فرهنگی بدن) به دلیل داشتن طرح‌ها و نقوش بومی با کارکردهای عمدتاً اعتقادی که حامل ارزش‌های اصیل برای این سیستم پوشاک هستند و همراه با سایر بخش‌ها، کل سیستم پوشاک زنانه را نمادین تر می‌کنند در طبقه بندی پوشاک زنانه کردی در دسته ضمایم لحاظ شده اند؛ این دو با این که جز ضمایم هستند و با گذشت زمان هر یک تغییر و تطورات خاص خود را داشته اند، حذف آن‌ها(عدم استفاده از جوهرات و نقش زدن پوست) یا تغییرات آن‌ها(زیورآلات غیربومی با طرح‌های امروزی یا تاتوهای تزئینی) متناسب با لباس‌های جدید زنانه کردی که در ادامه تحلیل می‌شود، به همان نسبت که در تضعیف هویت و اصالت ساختار کلی این پوشاک موثر هستند اهمیت قرارداد آن‌ها در دسته بندی ساختار معنادار و هویت دهنده به این پوشش مشخص می‌شود. مطالعات قوم شناسانه مناطق کردنشین از لباس سنتی زنان توصیف کاملی ارائه می‌دهند؛ این پژوهش ادعا می‌کند که در یک دسته بندی کلی، لباس زنان کرد مناطق مختلف از یک الگو و ریخت اصلی پیروی می‌کنند، که در رنگ و جزئیات از یک منطقه به منطقه دیگر، در رده‌های سنی و سلسله مراتب اجتماعی مختلف، متفاوتند، و با نگاه به مشخصات این لباس‌ها می‌توان نوع منطقه کردنشین، ایل و طایفه مربوطه و موقعیت و منزلت اجتماعی زنان را در زندگی تشخیص داد. بخش‌های اصلی این سبک پوشش، سرپوش، تن پوش، پاپوش و ضمایم را شامل می‌شود. سربند زیباترین بخش پوشش زنان کرد است که ابعاد و نوع بستن آن بر روی سر و موها، فراوان و گوناگون است. یافتن نشانه‌هایی از تغییرات

تدریجی این پوشش سر دشوار است زیرا نمونه‌های زیادی به طور هم زمان وجود دارد، اما در عین حال برای کسانی که جزئیات موجود در آن را درک می‌کنند مشخص کننده ایل و طایفه خاصی است، و تاهل و تگرد زنان را نیز نشان می‌دهد. زنان متاهل و میانسال، گلونی یا جه‌مه دانی - انواعی از روسری‌های ابریشمی با نقوش سنتی - را به شکل عمامه دور سر می‌پیچند که معمولاً ادامه آن بر پشت و شانه‌هایشان می‌افتد، بانوان والاتبار سربندهای بزرگتر و سنگین تری دارند که جلو گردن و سینه را نیز می‌پوشاند، دوشیزگان عرقچین سبک یا کلاهی کوچک که با آرایه‌های بسیاری تزیین یافته سر می‌گذارند که با پارچه ای توری مزین به پولک و منجوق (له چک) بر روی آن یا زنجیری زینتی در زیر چانه محکم می‌شود. تن پوش رنگارنگ زنان کرد با نقوش مفصل (گلواره، گیاهی و اسلیمی) در گذشته از منسوجات ایرانی با الیاف طبیعی چون پنبه، نخ و ابریشم که در مناطق شهری، روستایی و عشایری کشور تولید می‌شد ساخته می‌شدند اما امروزه برای دوخت این لباس از پارچه‌هایی با الیاف مصنوعی هم چون اکریلیک و ویسکوز و پلی استر تولید شده توسط کشورهای چین، هند و امارات متحده عربی استفاده می‌شود (دارابی، ۲۰۱۸)، لباس دختران جوان از پارچه‌هایی به رنگ‌های سرد و روشن (سفید، سبز، زرد، آبی روشن) ساخته می‌شود که نسبت به لباس زنان مسن که از رنگ‌های گرم و تیره (سورمه‌ای، بنفش و قرمز تیره) استفاده می‌کنند، دارای تزیینات بیشتری است. هیچ رنگی ناخوشایند نیست مگر سیاه که به جز پوشاک زنان کرد فرقه یزیدی یا همان ایزدی‌ها، که اقلیتی مذهبی از کردها هستند که در شمال عراق، سوریه، جنوب شرقی ترکیه و قفقاز زندگی می‌کنند (مشکور، ۱۳۶۸)، بانوان دیگر فقط آن را در مراسمات ترحیم می‌پوشند. زیرا ملال آور و بدشگون است. این پوشاک مرکب از چندین لایه بوده که با توجه به شرایط آب و هوایی در فصول و مناطق مختلف لایه‌هایی از آن کم یا به آن اضافه می‌شود. این لایه‌ها شامل شلوار، زیرپوش بلند زنانه، و یک پیراهن بلند است که با یک جلیقه آستین دار یا بدون آستین یا گاه یک کت بلند زنانه، و کمربندی بر روی همه آن‌ها کامل می‌شود، کمر بند به طور معمول پارچه ای پهن و تابیده بوده که با هر قسمت از لباس هماهنگی دارد، زنان متاهل تمایل بیشتری به پوشیدن کمر بند گسترده و سنگین فلزی دارند که در گذشته (بیش از یک قرن قبل) از جنس فلزات نه چندان گرانبها بود که گاه نیز با توجه به سطح اقتصادی از سکه‌های لیره از جنس طلا یا نقره هم ساخته می‌شود و در هر نوع که باشد ضمن تأکید بر خط کمر و جمع کردن گشادی جامه، ظاهر لباس را چین دار می‌کند. گشادی متناسب با کار و فعالیت لایه‌های مختلف این لباس که با پایه ای ترین اصول زیبا تر کردن لباس در خیاطی یعنی چین زدن همراه می‌شود در لباس زنان ایل جلالی که یکی از ایل‌های کرد ایران در منطقه آذربایجان غربی (در شهرستان‌های ماکو، خوی، چالدران) است و زبان گفتاری آنان کردی کرمانجی است (اسکندری نیا، ۱۳۶۶)، نمود بیشتری دارد، که آستین‌هایی پفی در میچ و شانه، دارند. شکل و فرم این لباس‌ها که سخاوتمندانه فرم فیزیکی بدن را به حداقل می‌رساند، منعکس کننده آرامش و روحیه انعطاف پذیر قوی زنان در هدایت زندگی روزمره است، و اصرار بیشتر بر تجملات و ضمانت این پوشش، آن را مناسب جشن و مراسمات اجتماعی می‌کند (مصطفایی، ۱۳۹۶).

پوشاک زنان کرد ضمن داشتن تنوع و ماهیت پویای خود، همواره در طول زمان و در جوامع مختلف، مطابق با تغییرات مد، شرایط آب و هوایی، تغییر نظام‌های باور و استانداردهای اخلاقی و زیبایی شناختی بسترش، تغییر کرده است (روچ و ایچر، ۱۹۹۵). از قرن ۲۱ میلادی چالش جهانی شدن با تغییر رادیکال خود بر لباس‌های محلی اقوام و ملل، پوشاک سنتی زنان کرد ساکن در سایر کشورها را - به دلیل تماس مستقیم با

ابعاد فرهنگی و اقتصادی این پدیده- تحت تاثیر قرار داده است، اگرچه لباس های سنتی جدید نیز هم چنان در محدوده سنت های محلی جای می گیرد، اما یک گفتگوی جالب میان لباس های سنتی قدیمی و لباس های سنتی جدید، استمرار و دگرگونی و نحوه ضدیت آن ها با یکدیگر و درآمیختن آن ها با هم وجود دارد.

یافته ها:

جدول ۱. علل بنیادی پدید آمدن هریک از بخش های پوشاک اصیل زنان کرد

ظاهر کلی لباس تابع اعتقادات و کارکردهاست تارزش های زیبایی شناسانه		
ساختار پوشاک زنان کرد	اجزا و خصوصیات	باورها و کارکردها
سرپوش	انواع	سرون (سر بند): از پارچه گلونی یا جهمه دانی که به دور سر پیچیده و با گره مخصوص بسته می شود. کلاو (کلاه): تزئین شده با مهره و منجوق های رنگی یا سکه های فلزی. له چک: پارچه ای توری مزین که روی کلاه قرار گرفته و زیرچانه محکم می شود، گاه آن را اطراف شانه و گردن می اندازند.
تن پوش	لایه زیرین	به دلیل آن که زیرپوش پایه لباس محسوب می شود و در معرض نمایش یا تایید عمومی نیست، نماد ملموس اعتقادات اخلاقی (پنهان سازی و شکل دادن به بخش هایی از بدن) و حمایت و حفاظت فیزیکی (کاهش اصطکاک لایه های بعدی روی بدن) و مانعی در برابر گزند سردی و گرمی هوا است.
	لایه رویی	تلاش برای ایجاد یک هویت عمومی و عدم پرداخت جنسیتی در حین کار و معیشت، نیاز به پوشیدن شلوار برای هردو جنس را به دلیل راحتی و آزادی حرکت و در عین حال پوشیدگی بدن را طلب می کرد.
لایه رویی	لایه زیرین	اصلی ترین لایه بیرونی لباس است که سایر بخش های لباس را پشتیبانی می کند. باور کردها در مورد کراس این است که پارچه های منقوش و رنگارنگ برای دوخت آن برگرفته از طبیعت بوده و رنگ و جنس آن بیانگر وضعیت شخص است. رنگ کراس تابع سن بوده و جنس آن تابع وضعیت اجتماعی فرد قرار می گیرد. گشادی و بلندی این بخش پوشیدگی و راحتی را توامان دارد.
	لایه میانی	سوخمه یا کلنجه (جلیقه): نیم تنه ای کوتاه و چسبان بدون آستین که به آن جلیقه کردی می گویند. که و (کت): یک کت آستین بلند ضخیم و گشاد که بر روی تمامی بخش های لایه رویی پوشیده می شود.
	لایه بیرونی	به مفهوم آماده به خدمت بودن است، با جمع کردن لایه های لباس بیانگر ظاهر منظم و مرتبط فرد بوده و از دست و پاگیر بودن پوشاک جلوگیری می کند، با تاکیید بر عرض بدن فرم پایین تنه را پنهان کرده و با جدا کردن بالاتنه از پایین تنه برآزنده شدن لباس را بر تن تضمین می کند.

<p>به دلیل باور آنان به این که در کمال مطلوب پاپوش ویژگی انحصاری بشر است و فرد پابرهنه -به جز در موارد استثنا دینی و آئینی- وضعیت فقر و درماندگی را نشان می‌دهد لزوم ساخت یک کفش متناسب با سایر بخش‌های لباس برای حفاظت عملی از پاها در برابر خطرات زیست محیطی مناطق روستایی و کوهستانی کردنشین مشخص می‌شود.</p>	<p>گیوه، کلاش، کالی: کفش‌هایی دوخته شده از جنس پارچه و یا استفاده از دست بافته نخ (پشم و پنبه) بر روی کفه ای از جنس چرم.</p>	<p>انواع</p>	<p>پاپوش</p>
<p>جنبه‌های اعتقادی و نیت آئینی (دفع چشم زخم، تضمین سلامتی، افزایش توانایی و...) دارد و بیانگر حیثیت و جایگاه اجتماعی است. و نهایتاً زینت بخش‌هایی از بدن را به همراه دارد.</p>	<p>زیورآلات: استفاده از فلزات و سنگ‌های قیمتی و نیمه قیمتی و پرداخت آن‌ها در انواع طرح‌ها، الگوها و اشکال نمادین. خالکوبی: ایجاد نقوش نمادین روی پیشانی، گونه و دست‌ها یا سایر نقاط بدن.</p>	<p>انواع</p>	<p>ضمائم</p>

تأثیر جهانی شدن بر پوشاک سنتی اقوام

اصطلاح «جهانی شدن» رایج‌ترین موضوع قابل توجه در میان سیاست‌گذاران، سازمان‌های غیردولتی و به طور کلی عرصه بین‌الملل در دوران اخیر بوده، و در محافل دانشگاهی در ابعاد مختلف و از زوایای متعددی مورد بررسی قرار گرفته است. پدیده جهانی شدن با هدف یک پارچگی مردم جهان، تمامی جوامع از جمله هویت‌های قومی، فرقه‌ایی و ملی را با اشاعه ابزارها و فناوری‌های ارتباطی در یک جامعه واحد و فراگیر جهانی به هم پیوند می‌زند. جهانی شدن را پدیده‌ای با ابعاد مختلف تعریف کرده‌اند، اگرچه علت اصلی توسعه جهانی شدن، ادغام و رشد اقتصاد جهانی بوده است، با این حال در عرصه‌های مختلف سیاسی و فرهنگی نیز متجلی شده است. عده‌ایی فرآیند جهانی شدن را شکلی از اشکال غربی شدن با جایگزینی فرهنگ لیبرال دموکراسی به حساب آورده‌اند؛ در حالی که مفهوم جهانی شدن بر فضاها و عرصه‌های شبکه‌ایی دلالت دارد که در آن اصلا مرکزی وجود ندارد. به بیان دیگر، برای پدیده جهانی شدن اعم از اقتصادی، سیاسی یا فرهنگی نمی‌توان مرکزی یافت که قدرت خود را به طور سازمان یافته و سلسله‌مراتبی بر تمام عرصه‌ها از جمله فرهنگ اعمال کند. جهانی شدن اگرچه می‌تواند به عنوان یک عامل مثبت، با شعار برابری جوامع مختلف و تعاملات میان فرهنگی به حل مسائل و مشکلات جهانی کمک کند؛ اما جنبه‌های منفی آن منکوب‌کننده بوده و بر تمامی وجوه زندگی مردم در جوامع مختلف تأثیر می‌گذارد. یکی از عمده‌ترین چالش‌های جهانی شدن رویاروی اش با هویت‌های قومی، خصایص و عناصر هویتی شان یعنی «زبان، مذهب و فرهنگ مادی» آن‌هاست، در خصوص هر یک تلاش‌هایی در جهت محو آن‌ها به عمل آمده که در مورد زبان به عنوان فضای فهم و ادراک قومی، و مذهب به عنوان جهان بینی و تمایلات روحی و روانی آن مردمان موفقیت آمیز نبوده است؛ و این دو ویژگی بیش از بقیه سد راه جهانی شدن تلقی می‌شوند. با این وجود شیوه‌های پوشیدن و آرایش به عنوان نمود بیرونی فرهنگ‌های قومی - محلی که حس تمایز از دیگران را ارضا می‌کند به عنوان یک عنصر فرهنگی سطحی که نفوذ در آن ساده تر از سایر خصایص گروه‌های قومی است بیش از پیش مورد توجه مدرنیزم جهانی قرار گرفته است، که در عقیده طرفداران پدیده نظام جهانی در نوع خود می‌تواند گامی در جهت کاهش تضادهای ایدئولوژیک قومی و فرهنگی باشد (عیوضی، ۱۳۸۰). در این جا برای تحلیل تأثیر جهانی شدن بر پوشاک سنتی اقوام و ملل بر پارادایم «واگرایی فرهنگی» که یکی از سه پارادایم عمده جنبه‌های فرهنگی جهانی شدن به نقل از ریتزر (۲۰۰۸) است تأکید می‌شود.

جدول ۲. سه پارادایم عمده در تئوری جنبه‌های فرهنگی جهانی شدن به نقل از ریتزر (۲۰۰۸)

مواضع	پارادایم‌ها
بین فرهنگ‌ها تفاوت‌های زیادی وجود دارد که عموماً تحت تاثیر پدیده جهانی شدن قرار نمی‌گیرند. جهانی سازی تنها در سطح رخ می‌دهد و عمق ساختار فرهنگ‌ها تحت تاثیر آن نیست.	واگرایی فرهنگی
بر مبنای ایده جهانی سازی، که باعث افزایش همانندی در سراسر جهان میشود. بدین معناست که فرهنگ‌ها در نتیجه جهانی شدن تغییر میکنند.	همگرایی فرهنگی
ایجاد یک فرهنگ منحصر به فرد از ادغام فرهنگ‌های جهانی و محلی که قابل تفکیک به فرهنگ‌های محلی یا جهانی اولیه نیست.	فرهنگ التقاطی

پوشاک قومی میراث مشترک گروهی از افراد است و جزئی از فعالیت و رفتار آنان بوده که در غالب سنت از گذشتگان و نسل‌های پیشین به ارث می‌رسد، و چون پایدارترین جنبه هر سنت توانایی آن برای تغییر است به مرور تغییر می‌کند (اسپربر، ۱۹۹۶). یکی از عواملی که منجر به تغییرات قابل ملاحظه در این عنصر فرهنگی می‌شود، استراتژی‌های سیاسی به عنوان یکی از اصلی‌ترین فاکتورهای تغییر جوامع است که به شکل پدیده‌های تاریخی با ایدئولوژی‌های مشابه در تمامی زمان‌ها بروز می‌کند و به اضافه شدن یا کم شدن چیزی به ساختار پوشاک یا به تغییرات و شکل‌گیری جدیدی از آن منجر می‌شوند. تاثیر استعمار (کنترل مستقیم جوامع زیر سلطه) و امپریالیسم فرهنگی (نفوذ حداکثری بر جوامع تحت سلطه) بر روی پوشاک جوامع محلی (به عنوان یک سازو کار مهم برای تغییر و بهره‌وری از جوامع مستعمره) مستقیم‌تر از فرآیند جهانی شدن بود. این دو نظام حاکمیت، رویکردهایی تحول‌گرا، با مشارکت جوامع محلی بودند؛ اگرچه سرکوب لباس‌های محلی برای جلوگیری از قدرت گرفتن وجود داشت اما کم‌کم استعمارگران نمی‌توانستند کنترل کنند که مردم چگونه لباس می‌پوشند، از طرفی تاثیر قدرت‌های استعماری بر روی پوشاک جوامع مستعمره در زمانی رخ داد که مردم بومی جوامع تحت سلطه، خود را با مواد موجود در طبیعت، تکه پارچه، پوست حیوانات و مواد غیربافته می‌پوشانده‌اند. امپریالیسم فرهنگی نیز بر روی لباس فرهنگ سوژه تاثیر داوطلبانه‌تر از استعمارگری داشت به طوری که همه بخش‌های جامعه از پذیرش لباس غربی حمایت نکردند برخی توانستند به چند فرهنگی پی ببرند و توانستند تفاوت لباس‌های خود را بدون برتری لباس‌های تحمیل شده (سبک اروپایی) گرامی‌بدارند. به طور کلی امپریالیسم و استعمارگرایی که یکی از اهداف شان به حاشیه راندن و نابودی پوشاک مناطق زیر سلطه بود به دلیل مشارکت همدلانه مردم بومی، این اقدامات به تکامل پوشاک محلی و ایجاد یک «سبک ملی» منجر شد که امروزه این مردم بومی از آن برای نشان دادن تغییر صدای سیاسی و ایجاد نمایندگی در دوره پس از استعمار خود استفاده می‌کنند. پس آن چه که امروزه لباس سنتی یک منطقه محسوب می‌شود ممکن است خود از تاثیر با فرهنگ‌های دیگر کامل شده باشد. با در نظر گرفتن پدیده‌هایی با ایدئولوژی‌های یکسان (استعمار و جهانی سازی)، عکس نتایجی که تاکنون در مورد تاثیر پدیده استعمار و امپریالیسم فرهنگی بر پوشاک جوامع محلی گفته شد زمانی رخ می‌دهد که امروزه تاثیر روند جهانی شدن با ماهیت کنترل‌ناپذیرش در تمامی‌وجه زندگی به ویژه صنعت مد و پوشاک، منجر به سادگی پوشاک محلی

اقوام و مللی که ساختار و الگوی کاملی دارند می‌شود و تا آن جا گام برمی‌دارد که به استاندارد سازی آن مطابق با سلايق و ارزش‌های زیبایی شناسانه مد مدرن جهانی برسد و به تدریج به نابودی آن منجر شود؛ هدف زیبایی شناسی کمینه‌گرا در طراحی پوشاک بیان ساده‌ای از تفکرات پیچیده است که خلوص طراحی را تضمین می‌کند و فرم تمامی بخش‌های پوشاک را به ذات قابل ملاحظه و قابل دسترس آن کاهش می‌دهد، اما غافل از اینکه حذف عناصر غیر ضروری در باور حداقلی طراحی پوشاک که در نهایت ظاهر کلی لباس تابع ارزش‌های زیبایی شناسانه (فرم و پارچه) می‌شود تا کارکرد و باورهای پس پشت آن، در ساختار پوشاک سنتی اقوام و ملل معادل اضمحلال اصالت پوشاک است. تولید کنندگان و طراحان مستقل پوشاک محلی تحت تاثیر فرآیند جهانی شدن با چالش‌های جدی سبک لباس‌های غربی و پوشاک ارزانتر مواجه می‌شوند بنابراین با در نظر گرفتن مهارت‌های مبتنی بر تقاضا، روند مدرن سازی لباس‌های سنتی را به منزله تکامل منطقی آن‌ها به کار می‌گیرند، و افزودن ایده‌های مدرن به این لباس‌ها را برای جذب نسل‌های آینده ضروری می‌دانند. از طرفی برپایی جشنواره‌ها و روش‌های کلیشه‌ای معاصر به منظور حفظ پوشاک محلی اقوام و ملل مختلف و برتری دادن به فرهنگ‌ها و هویت‌های فرهنگی، را نمی‌توان نادیده گرفت. که طراحان شرکت کننده با بررسی دقیق ساختار اصیل پوشاک سنتی، الگو و ویژگی زیبایی شناسانه منحصر به فرد آن‌ها را با پارچه‌های صنعتی، مواد و عناصر جدید تلفیق کرده و یک پوشاک سنتی بازسازی شده را در معرض نمایش قرار می‌دهند و با ماشین آلات مدرن و کارآمد به تولید می‌رسانند. این لباس نوپدید برای افراد این فرهنگ که در دوران مدرن زندگی می‌کنند و حتی افرادی که خارج از آن فرهنگ هستند قابل استفاده می‌شود. توجه به مدل‌های مدرن لباس سنتی به دلیل آمیختگی سنت و مدرنیته در آن‌ها باید با دو جنبه صورت گیرد: یک جنبه که بیانگر تداوم و ویژگی‌های سنتی و محلی است؛ و جنبه دیگر فزونی ایده‌های مدرن است که یک روند جدیدتری را آغاز کرده، و در آینده به عنوان سنت در نظر گرفته می‌شود؛ پس نفوذ تدریجی برای تغییر سبک پوشش از اثرات جهانی شدن است، و باید خاطر نشان کرد که پذیرش جنبه‌های فرهنگی جهانی شدن در برابر حفظ ارزش‌های قومی-محلی در نسل‌های مختلف و مکان‌های متفاوت با شدت برابر نیست (ودزبا، ۲۰۱۱). کریترز توفیک (۲۰۰۲) دو نوع واکنش عمده فرهنگ‌های قومی-محلی به پیامدهای جهانی شدن را دسته بندی کرده که از این طرح می‌توان برای تجزیه و تحلیل سیستم ارزش‌های این جوامع استفاده کرد.

جدول ۳. عکس العمل فرهنگ‌های قومی-محلی به فرآیند جهانی (کریترز توفیک، ۲۰۰۲).

دو نوع واکنش فرهنگ‌های قومی-محلی به جهانی شدن	ویژگی	جولت‌ها	افراد مسن
واکنش اول «پذیرش ظواهر بیرونی»	سازش نسبی و به مرور سازگاری فرهنگ قومی با فرهنگ جهانی	پذیرش بی قید و شرط یارد نسبی فرهنگ جهانی	عدم پذیرش فرهنگ جهانی
واکنش دوم «حفظ و ادامه ارزش‌های قومی»	حفظ ارزش‌های فرهنگ قومی و محلی و در عین حال درک فرهنگ جهانی	پذیرش نسبی فرهنگ جهانی	عدم پذیرش فرهنگ جهانی

قسمتی از جوامع قومی هنگام مواجه با بحران هویت جهانی برای کاهش تنش و سردرگمی، ضمن حفظ

ارزش‌های پیشین (زبان، مذهب)، به سمت پذیرش نسبی یا سازگاری با ظواهر (شیوه پوشیدن و لباس) آن گونه که هویت جدید مطالبه می‌کند می‌روند؛ به ویژه در مورد اقوامی که به عنوان اقلیت‌های مهاجر - که خود می‌توانند از پیامدهای جهانی شدن باشند - و جوامعی که روند ملت‌سازی و دولت‌سازی را ناقص طی کرده‌اند و نسل جوان، شدت بیشتری دارد. این به معنای رد فرهنگ سنتی و فریبندگی مصرف‌گرایی است. جهانی شدن بر قومیت‌های ساکن در بستر اصلی خود در صورت هماهنگی سیاست‌های دولت با این خرده فرهنگ‌ها و هم راستا بودن ایدئولوژی آن‌ها با ساختار قدرت حاکم تاثیر چندانی ندارد. در این جوامع حتی عناصر مادی فرهنگ همچون پوشاک نه در سطح و ظاهر بلکه همچون زبان و مذهب جز خصایص بنیادی آن قوم محسوب شده و حفاظت می‌شوند. بنابراین وام‌گیری از فرهنگ جهانی در این جوامع ضمن رد شدن کامل توسط نسل‌های پیرتر، توسط جوانان به دلخواه انجام می‌شود و عناصر خاص فرهنگی، مفاهیم، عقاید و نهادهای عاریتی را طرد می‌کنند. این دومین واکنش در دسته بندی کریزتوفک بوده که مطلوب‌ترین تاثیر فرهنگ جهانی بر فرهنگ‌های قومی - محلی است که منجر به تخریب هویت فرهنگی نمی‌شود، یعنی مردم می‌توانند ضمن آن فرهنگ جهانی را درک می‌کنند در فرهنگ قومی و ارزش‌های سنتی خود باقی بمانند.

تأثیر جهانی شدن بر پوشاک سنتی زنان کرد (پوشاک محلی زنان کرد در سایر کشورها)

لباس سنتی زنان کرد در جوامع غیر ایرانی به عنوان بخشی از فرهنگ مادی آنان در فرهنگ اکثریت سرزمین میزبان رو به زوال است؛ ضمن افزایش تراکم کردها در این کشورها و در اولویت قرار داشتن کیفیات فرهنگی، اجتماعی و گرایش‌های آن‌ها (هم چون زبان و مذهب) بر پایه ارزش‌های "نهان - جمع محور" خود، به دلیل محدودیت‌های جدی بر هر گونه بیان فرهنگ کردی، و بهره‌مند ساختن کردهای ناهمی اصالت خود از تمامی اشکال پیشرفت اجتماعی و در نهایت رغبت آنان به تعامل فرهنگی با سایر فرهنگ‌ها به دلیل واقعیت غیرقابل انکار بحران هویت و معنا موجب شده است که بیرونی‌ترین نمود فرهنگی آن‌ها یعنی لباسشان با تغییرات اساسی در آن؛ نشانه‌ای از رفتار جشن، مراسمات یا ادعای نمایندگی در اقدامی سیاسی و اجتماعی شود؛ که این رویدادها و گردهمایی‌های فرهنگی نیز ممکن است به منزله اعتراض به سیاست‌های ضد کرد و دستیابی به حقوق و استقلال بیشتر به شدت از جانب کشورهای میزبان سرکوب شود (کسراثیان و عرش‌سی، ۱۳۷۲). اگرچه بین لباس‌های سنتی روزمره و مختص جشن بانوان کرد ایلات و طوایف مختلف از نظر رنگ و جنس پارچه تفاوت واضحی وجود دارد، و بروز ایده‌های مختلف در شتون پوشاک مورد نیاز جامعه است. اما لباس زنان کرد خارج از ایران به دلیل نوآوری‌های طراحان صنعت مد، ساختاری یافته که از اهداف مربوط به زمینه ایجادش (در بردارنده آرمان‌ها و عقاید و هماهنگی با کار کردها) و جزییات نمادین مرتبط با آن (در مورد وضعیت تاهل، سن، ایل و تبار) خالی‌ست؛ و بدین معنی است که حفظ پیوند میان ویژگی‌های اصلی لباس با تغییرات مد که از اهداف اصلی نگاهداشت اصالت پوشاک است از میان رفته و لباسی که بنا بر سیستم ارزش‌ها، اقتضا و صرافت، طرحی مناسب با فراخور حال سنین و اندام‌های مختلف داشت و توسط تمامی اعضای جامعه، ضمن داشتن تفاوت‌هایی در ظواهر اجتماعی، پوشیده می‌شد؛ تحت سلاقی دیکتاتوری طراحان مد بدون توجه به ملاحظات سنی، به لباسی متناسب با اندام ایده آل - که مشخصات آن بر طبق فاکتورهای مدنظر جوامع اروپایی و موسسه انگلیسی تعیین کننده

سایزها و استانداردهای لباس تعیین شده- تبدیل شد که بیان گر یک پوشش بی تکلف و موقر با برش دقیق است که با یک عیب کوچک مربوط به اندام از ریخت می‌افتد و در اندام کامل و استاندارد یک زن جوان موزون جلوه گر می‌شود(عابدینی، ۱۳۹۷)، درک چگونگی این انتظارات فرهنگی، با بحث درباره «ماهیت هویت» در مدرنیته، و سیال بودگی و متلاشی شدنش در فرهنگ مصرفی ارتباط کامل دارد، و به معنی نادیده گرفتن اشکال مختلف بیان اجتماعی در آن جامعه است که پیش از آن در سیستم ارزش گذاری فرهنگ قومی کرد در نظر گرفته شده و تمهیدات لازم متناسب با آن در این لباس زنانه لحاظ شده بود. اگرچه طراحان و کارگاه‌های تولید لباس زنانه کردی در سایر کشورها هم چون فروشگاه آنلاین تیم^۱ ای بازار^۲، در نروژ، فروشگاه آنلاین «زوزان»^۳ در آلمان به عنوان عرضه کننده این لباس‌ها در تمام اروپا و آمریکا، طرح‌های نوین را در کدسایزهای مختلف تولید می‌کنند، تا با هدف حداکثر تغییر این سبک پوشش سنتی، در سلیق سنین مختلف با انواع اندام‌ها رسوخ کند، اما به دلیل حفظ گفتمان‌های اعتقادی و اخلاقی توسط زنان مسن تر قوم کرد، این لباس‌ها عمدتاً از سوی آنان پذیرفته نمی‌شود، از طرفی ویژگی و مشخصات در نظر گرفته شده در طرح و فرم بخش‌های مختلف این لباس از همان ابتدا به منظور جذب زنان و دختران جوان لحاظ شده است، و نمایش این طرح‌ها در جشنواره‌های بین المللی پوشاک کردی که هر ساله در کانادا و ملبورن برگزار می‌شود و یا پوشاندن آن‌ها به مجسمه موزه‌های منسوجات کردی در عراق، ترکیه به عنوان بخشی از پروژه میراث فرهنگی کردها، در ظاهر زنان جوان ارائه شده و موجب می‌شود طرح‌های جدید لباس سنتی در جشن‌های مذهبی و غیرمذهبی (بخصوص ۲۱ مارس به عنوان اولین روز از نوروز کردی)، عروسی و مراسمات خصوصی در بین دختران و زنان جوان رواج یابد. این تغییرات بر روی پوشاک سنتی زنان کرد به مرور دوام یافته و نسل این زنان و دختران جوان در آینده این لباس‌های سنتی ساده را بخشی از لباس محلی خود می‌دانند که در نهایت هنگامی که در عمل پوشیده می‌شوند، کار کرد سنتی می‌یابند(دارابی، ۲۰۱۸). طراحان و مشاوران مد کردتبار در سایر کشورها هم چون «دلا مراد»^۴، ژینا زاکا^۵، هاوار محمدصدیق^۶ از کشور عراق و «آرزو حسن»^۷ از استرالیا، «والان رثوف»^۸ در آلمان که با کارگاه‌های تولید لباس زنانه کردی همکاری کرده و کار خود را در رسانه‌های اجتماعی و نمایشگاه‌ها معرفی می‌کنند(یونس، ۲۰۱۷)^۹، اجتناب از جذابیت‌های زیبایی شناختی سنتی، استفاده از طراحی‌های غیر احساسی و فرم‌های غیر تمثیلی، نادیده گرفتن ایده تناسبات سنی با تاکید بر فرم لباس و پارچه را به گونه ای تعبیر می‌کنند که ملزومات غیر ضروری هم چون لایه‌های غیر متناسب با موقعیت مورد استفاده (شلوار، سربند و کلاه، له چک) و عدم لزوم ویژگی‌های مربوط به عملکرد لباس (همچون گشادی) را با توجه به شرایط کاربردی اش بر طبق اصول طراحی سبک ساده گرایی (کمینه گرا یا مینیمالیسم)^۹ که یک مکتب هنری و جنبشی مدرن در عرصه سبک زندگی بوده، که اساس آن بر سادگی بیان و روش‌های

۱. eBazar

۲. Zozan

۳. Della Murad

۴. Zeena Zaka

۵. Hawar Muhammad Siddiq

۶. Arezuo Hassan

۷. Valan Raouf

۸. Younis

۹. Minimalism

خالی از پیچیدگی در زندگی و آثار هنری است.)، حذف کرده اند و گمان می‌برند که غفلت بیش از حد از ویژگی‌ها، عناصر و بخش‌های متعارف این سبک پوشش و اصلاح خلاق آن، تا آنجاست که اصالت و هویتش از بین نرفته است. کما اینکه بعضی از این لایه‌ها و بخش‌های حذف شده، در بردارنده ارزش‌ها و اعتقادات فرهنگی، و در یک کلام متضمن اصالت لباس است که با حذف این لایه‌ها، و حداقل استفاده از پارچه‌های پرزرق و برق و تمرکز بر طراحی‌های تک رنگ، پایه‌ای ترین کاربرد این لباس هم چون حفاظت و پوشاندن بدن باقی می‌ماند که بنیادی ترین هدف ساخت پوشاک توسط بشر در اوایل روزهای تطابق انسان با شرایط محیطی حاکم بود؛ که گاهی آن نیز چنان با اعتقادات پیوند خورده است که با حذف لایه‌ها، آن اهداف تحت تاثیر قرار می‌گیرد (سربند و کلاه) (هایز^۱، ۲۰۱۷). از طرفی تبدیل بخش‌های اصلی این پوشاک به ضمام، حذف تدریجی آن‌ها را مقدمه چینی می‌کند (تبدیل کمر بند پارچه‌ای به نوارهای باریک فلزی، استفاده از گیره‌ای تزئینی به موها به جای سربند و کلاه). فرآیند مینیمالیستی شدن پوشاک زنانه کردی فاقد طراحی هم نیست، طراحان با آگاهی از فرم‌های قالب‌قسمت‌های مختلف لباس زنانه، در تمرکزات اصلی مد و یا توجه به سبک‌های مشابه این لباس همچون طراحی جدیدترین لباس‌های سنتی ترکی و عربی (عبای بلند کافتن)، به عنوان بسترها و تعاملات فرهنگی تاثیر گزار بر اقلیت کرد اقدام به طراحی آستین‌های کلو ش دنباله دار و تاحدودی تاکید بر پشت دامن کرده اند (هیکس^۲، ۲۰۱۴). به طور کلی بر مبنای آنچه گفته شد ظهور زیبایی شناسی حداقلی در این سبک پوشش ضمن از بین بردن نمودهای هویتی و فرهنگی، از لحاظ اقتصادی حائز اهمیت بسیار است چرا که به دلیل انطباق با استانداردهای زیبایی ایده آل (لباس سنتی جدید کردی هم پای سایر لباس‌های مدرن توسط زنان فرهنگ‌های دیگر به عنوان یک لباس مجلسی مورد استفاده قرار می‌گیرد) و استفاده از پارچه‌های ارزان با کیفیت بالا در برابر معضل پارچه‌های گران قیمت لباس‌های سنتی اصیل کردی می‌تواند گامی مثبت به شیوه‌ای مسئولانه در مصرف مد و زیبایی شناختی باشد.

جدول ۴. تغییرات ساختار پوشاک زنان کرد توسط طراحان مد در جوامع غیر ایرانی

۱. Hayes

۲. Hix

ظاهر کلی لباس تابع ارزش‌های زیبایی‌شناسانه است تا کارکردها و اعتقادات (ظهور زیبایی‌شناسی کمیته گرا در طراحی پوشاک زنان کرد با تأکید بر فرم و پارچه)		
ساختار پوشاک زنان کرد	وضعیت	ارزش‌های زیبایی‌شناسانه
سرپوش	حذف سربند، کلاه و له چک	گاه‌ها از آرایه‌ها و گیره‌های فلزی برای تزئین موها استفاده می‌شود.
تن پوش	حفظ زیرپوش (ژیر کراس) در فرم و پارچه	به دلیل شفافیت و بدن‌نمایی پارچه‌ای که برای دوخت کراس (روپوش) استفاده می‌شود، ژیر کراس (زیرپوش) حفظ شده است.
	حذف شلوار (درپه)	به دلیل طراحی راسته و تنگ کراس (روپوش) و ناسازگاری و ارتباط ناخوشایند با سایر بخش‌ها، شلوار حذف شده است.
پاپوش	روپوش (کراس) به عنوان اصلی‌ترین لایه رویی دارای تغییرات در فرم و پارچه	تأکید بر خطوط ساده، تقسیمات و ارزش‌های خطی عمودی در لباس (بلندی، تنگی و راسته بودن). طراحی اشکال متناسب با نگاه مدرن در بخش‌هایی از روپوش: آستین کلوش، کار بروی پشت یا دنباله دامن. استفاده از پارچه‌های ساده تک رنگ نازک و لطیف با افت و ریزش هماهنگ با ساختار عمودی روپوش.
	استفاده حداقلی از جلیقه (سوخمه) با همان طراحی اصیل در فرم و پارچه استفاده حداکثری از کت بلند (که وا) با تغییرات در فرم و پارچه	به منظور از بین بردن توهمات بصری افقی و تأکید بر ارزش‌های خطی عمودی، به ندرت از جلیقه استفاده می‌شود، به جای آن از «که وا» به شکل یک رویی بلند اغلب بدون آستین با پارچه‌های تک رنگ (تیره تر از رنگ روپوش) و با ضخامت کمتر استفاده می‌شود.
	کمر بند پارچه‌ای که جز تن پوش محسوب می‌شد به دلیل تغییر در فرم و جنس به ضمام تبدیل شده است.	گاه‌ها از کمر بندی به شکل یک میله باریک فلزی در ناحیه کمر به منظور تأکید بر خط کمر و برازنده شدن لباس بر تن استفاده می‌شود.
پاپوش	کفش متناسب با سایر بخش‌های لباس انتخاب می‌شود.	استفاده از کفش‌های مدرن متناسب با ساختار لباس سنتی جدید
ضمام	زیورآلات نمادین استفاده نمی‌شود. خالکوبی‌های نمادین استفاده نمی‌شود.	استفاده از زیورآلات با طرح‌های امروزی گاه‌ها استفاده از خالکوبی‌های تزئینی

پوشاک سنتی زنان کرد در غرب ایران

تکثر و تنوع فرهنگی حاکم بر فضای ایران سبب شده است که در همه ابعاد مورد عنایت مهاجمین

فرهنگی و فرآیند گسترده جهانی سازی قرار بگیرد. این دخالت‌ها که تنش‌های شدید قومی و فروپاشی کشورهای چندقومیتی نظیر عراق، افغانستان و سوریه را در پی داشته موجب شده است که سیاست‌های قومی در ایران کنونی در برابر هر نوع فرهنگ سازی بیگانه بیش از پیش مورد توجه قرار بگیرد. با استراتژی‌های مدیران و توجه مسئولان به مسائل قومی در جهت حفظ انسجام فرهنگی و ملی کشور و بهره‌گیری از برنامه‌ای کارآمد با اهدافی چون پذیرش تنوع فرهنگی اقوام، احترام به تفاوت‌های فرهنگی شان و استفاده از رویکرد هم‌افزایی فرهنگی، قومیت‌ها و فرهنگ‌های سنتی-بومی در ایران به عنوان یکی از منابع هویت و قوی‌ترین شکل اجتماعات فرهنگی حفظ می‌شوند. ضمن آن که زمینه گسترده‌ای از مشترکات، موجب وفاق اجتماعی و فرهنگی اقوام ایرانی شده است، هریک از هویت‌های قومی از عناصر فرهنگی ویژه‌ای برخوردارند (مرادی، ۱۳۹۴). کردها در غرب ایران ضمن حفظ زبان و گویش‌های بومی و مادری، و استمرار تنوع دینی و مذهبی خود، به فراخور جغرافیای مکانی که در آن سکونت دارند ویژگی‌های خاص فرهنگی خود یعنی آداب و رسوم و نوع پوشش و لباس خود را صیانت کرده‌اند. زنان کرد ساکن در غرب ایران طی قرون متمادی با لباس محلی خود پیوند عاطفی و سنتی شدیدی برقرار کرده و نه تنها روستاییان بلکه شهرنشینان هم نسبت به این سبک پوشش تعصب خاصی داشته و علاقه زیادی به حفظ و نگهداری ساختار اصیل آن در کنار پوشش ملی کشور دارند (کسرائیان و عرشی، ۱۳۷۲). زنان و دختران جوان در بسیاری از مناطق غرب ایران نظیر استان کردستان یا شهرستان‌هایی چون پاوه و جوانرود در استان کرمانشاه، پوشش محلی خود را به جای پوشش رسمی در ادارات و مدارس جایگزین می‌کنند که این اقدام به پوشیدن لباس محلی در ادارات، مدارس و دانشگاه‌ها در قالب یک طرح از جانب وزارت فرهنگ و ارشاد به منظور ماندگاری سنت‌ها و ارزش‌ها تا آن‌جا که تلقی فرهنگی قوم مداری را به همراه نداشته باشد به رسمیت شناخته شد؛ این لباس‌ها در فرم و ترکیب اصلی خود، هم‌چنان که در جشن‌ها و آئین‌ها پوشیده می‌شوند در زندگی روزمره به دلیل پایداری به باورها و راز رمزهای موجود در این پوشاک، کاربرد این پوشش با توجه به سبک زندگی و معیشت در شهر و روستا، جاذبه‌های گردشگری و سودآوری آن برای مردمان کرد مورد استفاده قرار می‌گیرند (مصطفایی، ۱۳۹۶). اگرچه متناظر با این زبان پوشاک (حاوی پیام‌های نمادین) در آن سوی مرزها تغییر و تحولاتی در فرم و ترکیب بندی این پوشش رخ داده است و از طریق فناوری‌های ارتباطی و فضای مجازی در قالب مدهای جدید، خواه ناخواه به صورت یک الگوی فرهنگی به زندگی کردهای ایران راه یافته و کم‌کم دختران جوان به آن روی آورده‌اند اما این لباس در فضای روزمره معیشت خاستگاه قومی به دلیل محدودیت‌های عملکردی ساختار آن به حاشیه رفته و هم‌چنان به ندرت توسط دختران جوان در جشن‌ها پوشیده می‌شوند، چرا که اغلب توسط خیاطان محلی زبده، کهنه‌کار و پابند به هویت‌های قومی به رسمیت شناخته نشده، و زنان مسن‌تر خانواده که بر طبق آداب رسوم کردها در تهیه لباس سنتی، برای سایر اعضای خانواده به خصوص برای دختران جوان بر طبق نظرات و باورهای خود لباس تدارک می‌بینند در مقابل رسم‌های ناخوانده مقاومت گسترده‌ای نشان می‌دهند. در خاتمه ذکر این نکته حائز اهمیت بسیار است که اصلی‌ترین عاملی که موجب حفظ ساختار اصیل این پوشش در تمامی سطوح جوامع غرب ایران شده برخورداری از ویژگی‌های کمی و کیفی مطابق با مترقی‌ترین و دقیق‌ترین تعالیم اسلام است، ویژگی‌ها و زمینه‌هایی که نه تنها در پوشاک کردی بلکه در تمامی پوشاک سنتی اقوام ایرانی وجود دارند و از عوامل پذیرش حجاب در

تمدن ایران بعد از اسلام بوده اند و پس از آن نیز در تدوین مبانی نظری طراحی لباس زنانه بر پایه الگو ایرانی-اسلامی، پوشاک اقوام مختلف متضمن درون مایه اصلی این مبانی شده اند (بابایی و اکبری، ۱۳۹۳). و در نهایت ترکیب اسلوب مشخص ساختار پوشش در فرهنگ اسلامی با ساختار پوشاک اقوام (ایرانی) در جهت کامل تر شدن آن پیش رفته است به طوری که امروزه زنان کرد پوشش سر خود را با روسری کامل می کنند و در محیط‌های عمومی با پوشیدن چادر بر روی کل این پوشش سنتی حاضر می شوند. مهم ترین عوامل حفظ پوشاک سنتی و اصیل زنانه کردی در غرب ایران در برابر طراحی‌های مدرن وارداتی خالی از اصالت سایر کشورها به قرار زیر است: (۱) مدیریت تنوع فرهنگی و حفظ هویت و انسجام ملی توسط دولت (۲) وابستگی جغرافیایی و مکانی، نمودهای مادی فرهنگ (نوع پوشش و لباس) را همسطح لایه‌های عمیق تر فرهنگی (زبان، مذهب) قرار می دهد. (۳) پایداری زنان کرد به باورها و اعتقادات و کارکردهای عرفی این لباس در هسته هویت قومی حتی در میان جوانان (۴) جادبه‌های گردشگری و درآمد زایی (۵) ویژگی‌های ذاتی این پوشش از جمله داشتن ساختاری کامل در کمیت و کیفیت و تطابق آن با معیارهای پوشش فرهنگ اسلامی.

بحث و نتیجه گیری

جهانی شدن در قالب ارتباط جمعی جهانی فرآیند دگرگون شدن ساختارهای محلی به جهانی است که تأثیرات عمده ایی در ابعاد مختلف به ویژه بعد فرهنگی دارد. از مهم ترین مباحث مورد بررسی در حیطه اثرات جهانی شدن در حوزه فرهنگ، به چالش کشیده شدن ظرفیت‌های فرهنگی جوامع مختلف به ویژه هویت‌های خرد (هویت‌های قومی) است. با تکیه بر پارادایم واگرایی فرهنگی که تحولات فرهنگی جهانی شدن را منحصراً بر روی لایه‌های سطحی ساختار فرهنگی اقوام موثر می داند و با اعتقاد بر این که قومیت‌ها به عنوان یک منبع هویت و قوی ترین شکل ارتباط اجتماعی از مولفه‌های اصلی فرهنگ خود (زبان و دیانت) همواره حفاظت می کنند (زبان و دین به عنوان دیوارهای آتش، اثر ارتباط جمعی را بر تغییر فرهنگ‌های قومی را تضعیف می کنند). می توان نتیجه گرفت که در نهایت همین تغییرات و اثرات سطحی فرهنگ جهانی، بر روی یک سمبل فرهنگی چون پوشاک سنتی جوامع قومی به راحتی قابل مشاهده است در جامعه قومی مدنظر که جامعه زنان کرد غرب ایران است با شاهد در نظر گرفتن ساختار اصیل پوشاک سنتی زنان این منطقه به طور بارز این دگرگونی‌ها در پوشاک سنتی جدید زنان کرد جوامع غیر ایرانی (مناطق مرزی کشورمان و کردهای ساکن در اروپا و آمریکا) مشخص می گردد؛ که تأثیراتش را بر روی این ساختار پوشاک در ایران و در آینده نمی توان نادیده گرفت. به جرأت می توان گفت که در این زمینه هیچ مطالعه جدی در ایران صورت نگرفته است. این امر باعث تاسف است چرا که پوشاک سنتی زنان کرد از سرمایه‌های فرهنگی این قوم و خاستگاه قومی اش (کشور ایران) بوده و از طریق پژوهش درباره آن، اطلاعات فرهنگی بسیار ارزشمندی را به لحاظ تأثیر عوامل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می توان بدست آورد. برای نمونه اثرات ایده جهانی استاندارد سازی نوع پوشش، به شکل طراحی‌های حداقلی بر روی پوشاک سنتی زنان کرد با اهدافی چون کاهش شدید جنبه‌های شخصی و تحمیل انتظارات فرهنگی، خلق ترکیبات ظاهری غیر تمثیلی، از بین بردن تفاوت‌های اجتماعی (مشخصات سنی، وضعیت زناشویی، تعلق به ایل و تبار و...)، را به وضوح می توان دید. که در آن ارزش‌های زیبایی

شناسانه با "تاکید بر فرم (طراحی‌های اندامی، تقسیمات ساده، خطوط و برش عمودی) و پارچه (ساده و تک رنگ)" بر "باورها و کارکردهای نهادینه شده در هر یک از اجزا و بخش‌های مختلف آن چون سرپوش، تن پوش و پاپوش و ضمام" اولویت می‌یابد و اصالت پوشاک سنتی زنان کرد را حتی با جزئی ترین تغییرات از بین می‌برد چرا که تمامی این جزئیات، علائم و نشانه‌ها جمعا و در ارتباط باهم هویت این پوشاک را نمادین ساخته است. البته واکنش زنان قوم کرد به این اثرات فرهنگی جهانی شدن را نمی‌توان نادیده گرفت ضمن آن که زنان مسن تر در تمامی جوامع به دلیل پابندی به عقاید و آداب رسوم خود، در پوشیدن این سبک از پوشش در ساختار اصیلش پافشاری دارند؛ تاثیر نوع جامعه و ساختار قدرت حاکم بر کشور در بردارنده این اقلیت قومی را نمی‌توان نادیده گرفت. دختران و زنان جوان کرد ساکن در سایر کشورها به دلیل تماس مستقیم با مولفه‌های فرهنگی و اجتماعی جهانی شدن، وضعیت غیر قابل انکار بحران هویت و معنا و مداخله ساختارهای قدرت حاکم بر آن‌ها به سمت سازش نسبی و سازگاری با ظواهر بیرونی فرهنگ جهانی یعنی پوشیدن لباس‌های سنتی تغییر شکل یافته می‌روند، اما زنان کرد ساکن در ایران به دلیل قرار گرفتن در جغرافیای خاستگاه قومی خود و مدیریت مسئله قومیت توسط دولت، به حفاظت از ساختار اصلی پوشش سنتی خود به دلیل زنده بودن این باورها و کاربردی بودن عملکردهای این پوشش در سطوح مختلف زندگی مناطق غرب ایران، ادامه می‌دهند. البته نمی‌توان عواملی چون گرایشات قوم مداری در هسته هویت قومی کردها حتی در میان دختران جوانان، جاذبه‌های گردشگری و درآمدزایی و ویژگی‌های ذاتی این پوشش از جمله داشتن ساختاری کامل مطابق با معیارهای پوشش فرهنگ اسلامی را نادیده گرفت. در نهایت پیشنهاد نگارندگان این است که اگر پژوهش‌های آتی در ادامه بررسی‌های صورت گرفته درباره پوشاک سنتی به ویژه مطالعه تطبیقی آن‌ها در دوران‌ها و مکان‌های مختلف و از جنبه‌های نمادین و معنایی باشد، می‌توانند در روند طراحی این پوشاک و نیز در حفظ و نگهداری اصالت آن‌ها در دنیای امروز کاملا موثر باشند.

منابع

- آشوری، داریوش. (۱۳۷۵). فرهنگ سیاسی، تهران: انتشارات مروارید.
- امان‌اللهی، سکندر. (۱۳۸۷). تنوع قومی در بین کردها: نگاهی کلی از دیدگاه انسان‌شناسی. دوماهنامه چشم انداز ایران. ویژه نامه کردستان، (۳)، ۳۸-۳۰.
- اسکندری‌نیا، ابراهیم (۱۳۶۶). ساختار سازمان ایلات و شیوه معیشت عشایر آذربایجان غربی، ارومیه: انتشارات انزلی.
- بابایی، پروین و اکبری، فاطمه. (۱۳۹۳). بررسی مبانی نظری طراحی مدلباس زنانه در الگوی ایرانی-اسلامی. فصلنامه نقد کتاب. ۱(۲و۱)، ۲۵۸-۲۴۱.
- دهقانی اشکذری، محمدرضا، رحیمی‌زارچی، محمدرضا. (۱۳۹۰). پوشش ایرانیان در بستر تاریخ و تحلیل تطبیقی با فرهنگ اسلامی. سومین همایش ملی نساجی و پوشاک، یزد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد.
- عابدینی، اعظم. (۱۳۹۷). مبانی طراحی لباس. تهران: انتشارات آبان.
- عیوضی، محمدرحیم. (۱۳۸۰). جهانی شدن و هویت‌های قومی. فصلنامه مطالعات ملی. ۳(۱۰)، ۱۲۳-۱۵۴.

- کسرائیان، نصرالله و عرشى، زيبا. (۱۳۷۲). کردهای ایران. تهران: انتشارات سکه.
- مرادی، علیرضا. (۱۳۹۴). هویت فرهنگی اقوام ایرانی و تاثیر آن بر هویت ملی و انسجام ملی ایرانیان. مجله مهندسی فرهنگی، ۹(۸۴)، ۱۴۴-۱۲۸.
- مشکور، محمدجواد. (۱۳۶۸). فرهنگ فرق اسلامی. بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- مصطفایی، عزیز. (۱۳۹۶). نگاهی به لباس کردی. <http://kalapoor.blogfa.com> (بازیابی شده در تاریخ ۲ مرداد ۱۳۹۷).
- Darabi, M. (2018). Kurds: history and culture. <https://thekurdishproject.org>(access date: 6/2/2018).
- Edensor, T. (2002). National Identity, Popular Culture and Everyday Life. Oxford: Berg.
- Hansen, Karen Tranberg. (2018). Anthropology of Dress and Fashion. Bibliographical Guides London: Bloomsbury Academic, 2015. Bloomsbury Fashion Central. Web. 09 Sep. 2018.
- Hayes, S. (2017). A definitive guide to minimalist fashion. <https://nosidebar.com/minimalist-fashion>(access date: 12/1/2019)
- Hix, L. (2014). Caftan Liberation: How an Ancient Fashion Set Modern Women Free. Collectors Weekly. Retrieved 16 January 2015.
- Iuga, A. (2015). Rebuilding Communities through Their Heritage: Migrants from the Maramureş Region (Northern Romania). In: D. Moisa & J. Roda (eds.) Quebec University Press, 107-130.
- Krzysztofek, K. (2002). Globalization and the cultural values system, In: Pietraś M., ed. Oblicza procesów globalizacji. Lublin: Wydawnictwo Uniwersytetu Marii Curie-Skłodowskiej. www.kurdishfashion.com(access date 26/8/2018).
- Ritzer G. (2008). Sociological Theory. New York, Megrow Hill Publishers.
- Roach-Higgins, M. A. & Eicher, J. B. (1992). Definition and Classification of Dress, in Barnes, R. and Eicher, J. B. Eds. Dress and Gender: Making and Meaning in Cultural Context. Oxford: Berg, 8-28.
- Roach-Higgins, M. A. & Eicher, J. B. (1995). Dress and Identity, in Roach-Higgins, M. A. Eicher, J. B. & Johnson, K. K. Ed. Dress and Identity. New York: Fairchild Publications, 7-18.
- Sperber, D. (1996). Explaining Culture: a Naturalistic Approach. Oxford: Blackwell.
- Swadźba, U. (2011). The Impact of Globalization on the Traditional Value System. In The Scale of Globalization. Think Globally, Act Locally, Change Individually in the 21st Century, 332-337. Ostrava: University of Ostrava, 2011.
- Younis, D. (2017). Kurdish Iraqi woman designs clothing for the stars. <http://www.rudaw.net>(access date: 11/7/2018).

Globalization of Culture and Traditional Clothing of Ethnic Identities With Emphasis On Survival Of Kurdish Women's Clothing In West Of Iran

Sh. Karimpour*
M.Piravivanak**

Abstract

The purpose of this study was to describe the authenticity of the women's clothing industry, identifying the identity of the traditional garment, and, consequently, the process of globalization as one of the main reasons for identity stripping, to be explained by its impact on the design of a new traditional garment. The research population was the Kurdish women, relying on objective evidence of the Kurdish women dressing in western Iran and at the same time observing the Kurdish women clothes living in Western countries through internet and virtual networks. In the present paper, the method of descriptive-analytical research was used and the data was collected from library, online and field observation with data gathering tools such as index cards and computers and finally the traditional Kurdish women's clothing of western Iran was compared with traditional Kurdish women's clothing in Non-Iranian societies. After identifying one of the main causes of the change in these traditional garments in other countries, the modified structure of Kurdish women's clothing was described and the reasons for maintaining original structure in western Iran was investigated. Finally, the results showed that traditional Kurdish women's clothing in the countries containing the ethnic population of these people, influenced by the cultural effects of globalization in the design of fashion and clothing, has a minimalistic (minimal) structure and the components and indications that are the main factor Identity to this garment has been simplified or lost, and in different parts of it, aesthetic values have been overcome by beliefs and functions. Meanwhile, the causes of the survival of this garment in its original structure in western Iran can be attributed to the efficient planning of the state in preserving ethnic identities, the persistence of the Iranian Kurds and their ethnic traditions, even the most superficial cultural expressions, and ultimately their own characteristics In line with the Islamic culture's clothing of Islamic culture.

Keywords: globalization of culture, traditional clothing, Kurdish women.

* M.A. of Research in Art, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran (Email: shima.karimpour@yahoo.com).

** Associate Professor, Faculty of Research Excellence in Art and Entrepreneurship, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran (Email: mpiravivanak@gmail.com).